

نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۶(۴۲)، ۱۱۱-۱۳۳

DOI: 10.30480/AUP.2023.4711.2027

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در حفاظت از منظر شهری تاریخی تهران: ارزش‌ها، ادراک شهر و روایت هویت محلی*

ندا شفیعی

دانشجوی دکتری مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

غلامرضا کیانی ده کیانی

استادیار گروه مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده
مسئول مکاتبات)

E-mail: gh.kiani@aui.ac.ir

شهریار ناسخیان

استادیار گروه مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

احسان آقابابایی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

حفاظت از مناظر شهری تاریخی در قرن حاضر نیاز به رویکردهای نوآورانه دارد تا بتواند با چالش‌ها و تغییرات شهر امروزی خود را تطابق دهد. روش‌های سنتی با رویکردی بالا به پایین، به‌تنهایی نمی‌تواند از شهر تاریخی حفاظت کند و نیازمند روش‌های جدیدی است که ریشه در تجربه جمعی و خلاقیت گروه متعددی از مردم دارد. در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی (۲۰۰۵) صریحاً به استفاده از فناوری جدید اشاره شده و هدف از این پژوهش نیز بررسی نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی مجازی در جهت حفاظت از مناظر شهری تاریخی است. بدین منظور از بسترهای شبکه‌های اجتماعی، ۱۲ صفحه اینستاگرام که در مورد میراث شهری تهران تولید محتوا می‌کردند، به‌شکل تصادفی انتخاب شد. با استفاده از نرم‌افزار وب‌هاروی اطلاعات مورد نظر درباره‌ی زمانی یک‌ساله استخراج شد. از طریق بررسی ارزش‌های به دست آمده از محتوای تولیدشده در بستر اینستاگرام مشخص شد که ارزش‌های گوناگون منتسب به شهر به‌جای اینکه غایتی برای حفاظت و مدیریت شهر و میراث باشند، می‌تواند تبدیل به وسیله‌ای برای گرد هم آوردن گروه‌های مختلف، کارشناسان، شهروندان و همچنین محلی‌ها و گردشگران شود. بنابراین به نظر می‌رسد مسئولان و متخصصان بهتر است برای حفاظت منظر شهری تاریخی از مشارکت مردم در فضای مجازی و حقیقی بهره بگیرند.

کلیدواژه‌ها: منظر شهری تاریخی، شبکه‌های اجتماعی، رویکرد مردم‌محور، ارزش‌های میراث، میراث معماری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری ندا شفیعی است که با عنوان «مطالعه روایی نحوه حفاظت از منظر شهری تاریخی تهران در شبکه اینستاگرام به منظور استخراج اصول و ضوابط حفاظت» به‌راهنمایی دکتر غلامرضا کیانی ده کیانی و دکتر شهریار ناسخیان و مشاوره دکتر احسان آقابابایی در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

مقدمه

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، مفهوم میراث فرهنگی فراتر از مقصود معین و مشخص زیبایی‌شناختی، یادمانی و تاریخی گسترش یافت، که تنها وابسته به ادعاهای متخصصان است و در سازمان‌های میراث فرهنگی نهادینه شده است، تا میراث را به‌عنوان ساختاری فرهنگی - اجتماعی در نظر بگیرد که دیدگاه‌های متنوعی از ذی‌نفعان مختلف را داراست و معانی متفاوتی را شامل می‌شود که در طول زمان و مکان به‌طور مداوم تغییر می‌کند (Taylor, 2016). این تصورات منجر به یک دید کلی متنی از میراث شهری شد که دوگانگی اشکال ملموس و ناملموس، فرهنگی و طبیعی میراث را زیر سؤال می‌برد و به استفاده از رویکرد منظر مبتنی بر ارزش برای حفاظت میراث می‌پردازد (Ginzarly *at al.*, 2011; Fredheim & Khalaf, 2016; UNESCO, 2019). در حالی که در این‌گونه موارد بایستی تأکید بیشتری بر روی تعامل مدنی باشد تا بدین‌وسیله گفتگوی بین‌فرهنگی مابین ذینفعان با منافع متضاد تسهیل شود. با این وجود، ابزارها و روش‌های سنتی مشارکت منجر به طیف وسیعی از انتقادات می‌شود؛ مبنی بر اینکه آن‌ها به‌ندرت توسط گروه‌های متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرند و عموماً موجب ناامیدی افراد درگیر با میراث شده و در دستیابی به مشارکت واقعی در برنامه‌ریزی یا سایر تصمیمات ناکام می‌مانند (Arnstein, 1969; Swyngedouw, 2005).

با تغییرات به وجود آمده در مفاهیم مربوط به میراث شهری، رویکرد منظر برای حفاظت از میراث شهری پیشنهاد شد. این رویکرد شهر را به‌عنوان یک میراث زنده مورد خطاب قرار می‌دهد که لایه‌های متعددی از معانی را شامل می‌شود؛ این معانی در طول زمان و مکان تغییر می‌کند. بنابراین رویکرد منظر شهری تاریخی فراتر از مراکز شهری تاریخی و میراث تعیین شده گسترش می‌یابد و شهر را به‌عنوان یک کل منسجم در نظر می‌گیرد. همچنین در این رویکرد مناظر روزمره به‌عنوان منبعی جهت شناخت و حفاظت معرفی شده است. این مناظر باعث به چالش کشیدن مرزهای میراث و روایت‌های غالب هویت و حافظه جمعی شده است (Bandarin & Van Oers, 2012). آنچه در این مفهوم‌سازی اهمیت دارد این است که میراث فرهنگی ساختاری اجتماعی - فرهنگی دارد که در معرض تفاسیر و تعبیر گوناگون معانی مربوط به ارزش‌های تجربی، ادراکات شخصی و دانش است (Graham & Howard, 2008; Taylor, 2016).

توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی^۱ (HUL) نه‌تنها بر روی محیط ساخته‌شده متمرکز است، بلکه به ارزش‌های اجتماعی گوناگونی که مردم برای مناطق شهری قائل هستند نیز توجه دارد. مناظر تاریخی شهر به‌گونه‌ای درک می‌شود که گویا توسط نسل‌های مختلف شکل گرفته و در نتیجه لایه‌های پیچیده از ویژگی‌های میراث ملموس و ناملموس ایجاد شده است. این میراث باعث تعلق خاطر و اطمینان از ارتباط مردم با گذشته خود می‌شود (Graham & Howard, 2008; Mydland & Grahn, 2012). این توصیه‌نامه رویکردی نوین را برای میراث شهری ارائه می‌کند، بدین‌منظور در جستجوی راهی برای یکپارچه‌کردن حفاظت مناطق تاریخی شهر با استراتژی‌های برنامه‌ریزی شهری است. کنفرانس یونسکو با عنوان «فرهنگ برای شهرهای پایدار» (دسامبر ۲۰۱۵) در هانگژو چین و توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی یونسکو ۲۰۱۱ به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در نظر گرفته شد. این توصیه‌نامه میراث فرهنگی را در مرکز توسعه پایدار شهری قرار می‌دهد و مفهوم منظر شهری تاریخی این‌گونه تعریف می‌شود: منطقه شهری به‌عنوان نتیجه یک لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی، و رای مفهوم «مرکز تاریخی» یا «منطقه» گسترش یافته است که بتواند بافت شهری وسیع‌تر و بستر جغرافیایی آن را شامل شود. این بافت گسترده‌تر شامل توپوگرافی منطقه، ژئومرفولوژی و خصوصیات طبیعی، محیط ساخته‌شده در آن و سازماندهی فضایی می‌شود همچنان که بخش‌های دیگر سازه شهری را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین شامل شیوه‌ها و ارزش‌های اجتماعی

و فرهنگی و ابعاد ناملموس میراث که مربوط به تنوع و هویت است، نیز می‌شود. تعریف منظر شهری تاریخی بسیار وسیع و بلندپروازانه است چنان‌که دارایی‌های گوناگون محیط شهری را همچون فاکتورهای فرهنگی، طبیعی و اجتماعی - اقتصادی همراه با ارزش‌های اجتماع محلی را شامل می‌شود. این تعریف به شهر به‌عنوان یک «میراث زنده» و همچنین لایه‌های پیچیده از معنا توجه می‌کند (O'Donnell & Turner, 2012; Gi-ard, 2013; Bandarin & Van Oers, 2012, 2014). این بدان معنی است که هر دارایی فرهنگی می‌تواند تا وقتی که برای «کسی» ارزش دارد، میراث باشد. این حقیقت تصمیم درمورد اینکه چه چیز را باید حفاظت کرد سخت و همچنین روند حفاظت را پیچیده می‌کند بدین‌صورت که: الف) شخصیت پویا و مدام در حال تحول منظر شهری، ب) تنوع ارزش‌های مرتبط با منظر شهری تاریخی و ج) منافع متناقض ذی‌فعا مختلف باعث پیچیدگی هرچه بیشتر موضوع می‌شود.

از جانب دیگر توصیه‌نامه یونسکو درمورد منظر شهری تاریخی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را به‌عنوان بخش اساسی از دانش مناطق شهری پیشنهاد می‌کند که به‌وسیله آن پیچیدگی‌های شهر را مستندسازی و درک کند و با همه بخش‌های جامعه به‌منظور تشویق مشارکت عمومی ارتباط برقرار کند (UNESCO, 2011). با افزایش استفاده از فناوری دیجیتال، برنامه‌های کاربردی برخط و شبکه‌های اجتماعی در قرن ۲۱، تغییر سریعی در تولید و بازتولید اجتماعی میراث فرهنگی^۲ ایجاد کرده است و این تغییرات پیامدهای عمده‌ای بر حفاظت از میراث فرهنگی دارد. در عصر دیجیتال، فعالیت‌های میراث به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش به فضاهای برخط است و بسترهای شبکه‌های اجتماعی فضای عمومی مجازی را برای تولید مشترک دانش میراث و ساخت مشترک معانی مناظر روزمره فراهم می‌کنند. در این زمینه، شبکه‌های اجتماعی درجه‌ای برای برداشتهای غیرکارشناسانه از میراث و روایت‌های جایگزین به‌گفتمان «رسمی^۳» میراث ارائه می‌کنند. بسیاری از مؤسسات فرهنگی بر روی جمع‌سپاری^۴ سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا تعامل مخاطبان با مجموعه‌های میراث را افزایش دهند. به موازات آن، بسیاری از اقدامات دیجیتال مردمی برای شکل‌دادن به پویایی تولید دانش میراث^۵ و تقویت مشارکت مدنی ظاهر شده‌اند (Lewi et al., 2016). علاوه بر مشارکت‌های فعال، مردم به‌طور منفعل نیز با ارسال نظرات و به اشتراک گذاشتن محتوا در شبکه‌های اجتماعی در بازتولید اجتماعی میراث سهیم می‌شوند.

در راستای این رویکرد و با هدف حفاظت از شهر تاریخی، این پژوهش به دنبال کشف ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی و کاربرد آن در حفاظت از مناظر شهری تاریخی است بنابراین ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چگونه ارزش‌ها از طریق محتوای تولیدشده توسط مردم در فضای مجازی به شهر نسبت داده می‌شوند و مردم چگونه شهر را ادراک می‌کنند و چگونه با منظر روزمره^۶ شهر و میراث شهری تعامل دارند و از طریق همین تعامل روایاتی از هویت و میراث محلی را ایجاد می‌کنند. برای تنظیم چهارچوب مفهومی این تحقیق، ابتدا دو موضوع مورد تأکید در این پژوهش در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: میراث یک ساختار اجتماعی-فرهنگی است و شبکه‌های اجتماعی بستری برای ایجاد ارزش‌های مشترک و هویت جمعی به‌صورت دیجیتال هستند. روش پژوهشی ارائه شده برای جوامع برخط بر مبنای پارادایم ساخت‌گرایی و مبنی بر مطالعه هرمنوتیک برای استخراج دانش درمورد ساختارهای اجتماعی چندگانه معناست. درنهایت بر مبنای دیدگاه‌های ادبیات علمی موضوع نتایج این تحقیق ارائه شد.

منظر شهری تاریخی رویکردی یکپارچه در حفاظت از مناطق تاریخی

توصیه‌نامه یونسکو ۲۰۱۱ درمورد منظر شهری تاریخی، رویکردی کل‌نگر و اجتماع شمول را پیشنهاد می‌دهد که سهیم کردن جامعه را تصریح و کثرت و گوناگونی میراث شهری و همچنین ظرفیت آن را برای پیوستگی و

تغییر در طول زمان اذعان می‌کند. منظر شهری تاریخی یک رویکرد و درک جدیدی از محیط تاریخی است. به‌منظور ارائه یک تعریف، منظر شهری تاریخی لایه‌های پیچیده‌ای از ارزش‌ها و صفات فرهنگی و طبیعی است که به هویت و حس مکان و یا روح مکان^۷ تعلق دارد (UNESCO, 2011; Van Oers, 2014). توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی (UNESCO, 2011) استفاده از ابزار سنتی و همچنین خلاقانه را احضار می‌کند که این ابزار به‌منظور تضمین مشارکت عمومی و درک گستردگی ارزش‌های فرهنگی که به ذی‌نفعان متفاوتی نسبت داده می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد تا اقدامات را اولویت‌بندی کند و موجب تصمیم‌گیری آگاهانه شود. منظر شهری تاریخی به‌مثابه رویکردی منعطف، جامع و یکپارچه‌نگر می‌تواند با در نظر گرفتن «مدیریت تغییر» سرعت تغییرات و توسعه شهری را هماهنگ و همه‌جانبه مدنظر قرار دهد. در صورتی که این رویکرد تنها محدود به بخش تاریخی شهر شود قادر به ایجاد تغییرات پایدار نخواهد بود (پوربهادر و فدائی‌نژاد، ۱۳۹۷). مفهوم مدیریت تغییر مبتنی بر اهمیت معنایی مکان و سعی در ایجاد برقراری تعادل میان رویکردهای حفاظت و توسعه و تحقق حفاظت و توسعه یکپارچه دارد (عشرتی و فدائی‌نژاد، ۱۳۹۷؛ عشرتی و دولابی، ۱۳۹۹). گام مهم در مدیریت تغییر، تجزیه و تحلیل دقیق منظر شهری تاریخی قبل از ایجاد هرگونه تغییر در آن و نیز شناسایی نیاز به تغییر، برای دستیابی کاملی از محیط، مردم و نیروهایی است که در شکل‌گیری پاسخ‌های فرهنگی متمایز امروز نقش ایفا می‌کنند (تاج احمدی تبریزی و زمانی‌فرد، ۱۴۰۱). منظر شهری تاریخی رویکردی جدید به شهر تاریخی است و یک ابزار مدیریتی جهت حفظ ارزش‌های میراث شهری به صورت همه‌جانبه و یکپارچه سازی آن با اهداف توسعه فراهم می‌آورد (عشرتی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۴۹). رویکرد منظر شهری تاریخی را می‌توان به‌منزله نسل جدیدی از برنامه‌ریزی شهری تلقی کرد که مهم‌ترین ویژگی آن، قابلیت تعمیم به مقیاس‌ها و گونه‌شناسی‌های مختلف شهری است و نیز دیگر ویژگی‌های آن، نقش یکپارچه‌کننده‌ای است که میان ذی‌نفعان متنوع ایفا می‌کند (جعفرپور و اسفنجاری و طبیبیان، ۱۳۹۹).

ظرفیت فناوری‌های دیجیتال برای حفاظت از میراث

امروزه، بسیاری از محققان و افراد درگیر با موضوعات فرهنگی علاقه‌مند به کشف کاربرد بالقوه فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی شده‌اند و همچنین مشارکت و همکاری مردم در وب‌سایت‌های میراث، بایگانی‌ها، نمایشگاه‌های برخط و موزه‌ها در حال افزایش است (Giaccardi, 2012; Belenioti & Vassiliadis, 2018). دولت‌ها نیز به مشارکت مبتنی بر وب که به‌طور عمده با عنوان «دولت الکترونیکی» نامیده می‌شوند، گرایش پیدا کرده‌اند. با پیشرفت تکنولوژی، اطلاعات مربوط به دارایی‌های میراث و توسعه تکنیک‌های جدید برای ثبت آثار جدید نقش مهمی را در حفاظت و به‌ویژه در توسعه ابزارهای مدیریتی به‌منظور یکپارچه‌سازی حفاظت از میراث و مدیریت کاربری زمین ایفا می‌کند. (Pickard, 2002). همچنین فناوری‌های دیجیتال، سرعت فرایندها و اقداماتی را که شامل پردازش و ارائه داده‌های میراث می‌شوند، افزایش داده است. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به تجزیه و تحلیل رفتار و نگرش ساکنان به‌منظور درک نظرات، برداشت‌ها و ترجیحات آن‌ها کمک کنند و از برخی اشکالات روش‌های نظرسنجی سنتی اجتناب کنند (Lopez, Maglioca, Crooks, 2019, 85). علی‌رغم پژوهش‌های مربوط به نقش شبکه‌های اجتماعی در حفاظت که عمدتاً در کشورهای غربی صورت گرفته است، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای جمع‌آوری اقدامات مردمی به‌منظور تولید مشترک دانش میراث و مشارکت مؤثر در گفتگوهای مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی، هنوز بسیار محدود است و به‌طور کامل بررسی نشده است. در اینجا ظرفیت فناوری‌های دیجیتال برای حفاظت از میراث و مناظر شهری تاریخی در چهاردسته زیر قابل معرفی است.

تقویت مشارکت مردم در فهم و شناسایی میراث از طریق شبکه‌های اجتماعی

یک پیشرفت گسترده در تاریخ اینترنت ظهور شبکه‌های اجتماعی است (Van Dijck, 2013). اگرچه تعامل همیشه بخشی از شبکه‌های مجازی بوده است، اما شبکه‌های اجتماعی فرم‌های جدید از ارتباطات را تا حدی تسهیل می‌کنند که به‌عنوان تغییر عمده در نحوه طراحی و استفاده از شبکه جهانی وب تلقی می‌شود. شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به‌عنوان «گروهی از برنامه‌های مبتنی بر اینترنت که بر پایه‌های ایدئولوژیک و فناوری وب ۲،۰ بنا شده‌اند و امکان ایجاد و تبادل محتوای تولیدشده توسط کاربر را به وجود می‌آورد» تعریف کرد (Kaplan & Haenlein, 2010). اصطلاح وب ۲،۰ به روش‌های جدید استفاده از شبکه جهانی وب اشاره دارد و بر همکاری و فرم‌های مشارکتی تولید محتوا تأکید دارد. این پیشرفت‌ها باعث شده است کاربران بتوانند حضور خود را در اینترنت و شرکت در اشتراک‌گذاری، نظارت و ایجاد محتوای برخط بسیار آسان کنند (John, 2013; Van Dijck, 2013). به‌طور خاص در مقوله میراث فرهنگی، این موضوع بدان معنی است که شبکه‌های اجتماعی روش‌های جدیدی را برای به اشتراک‌گذاری و تعامل با مردم به‌منظور درک گذشته خود در اختیار آنان قرار می‌دهد (Giaccar- di, 2012; Paganoni, 2015). نمونه‌هایی از این فعالیت‌های غیررسمی میراث که بر روی مکان‌های خاصی متمرکز شده‌اند، سایت‌های شبکه‌های اجتماعی هستند که عکس‌های تاریخی شهرها در آن‌ها به اشتراک گذاشته می‌شوند (Freeman, 2018; Gregory, 2015; Lewi et al., 2016). آرشیوهای برخط مستندات موسیقی محلی و همچنین وب‌سایت‌هایی با محتوای داستان‌های محلی نمونه‌های دیگری از این فعالیت‌ها هستند. این اقدامات به کاربران اینترنت این امکان را می‌دهد تا در ساخت روایت‌های میراث محلی مشارکت داشته باشند، حتی گاهی گفتمان غالب و جریان اصلی را به چالش می‌کشند (Flinn et al., 2009; Foth et al., 2008; Giaccardi, 2012). این راهکارها می‌تواند باعث افزایش آگاهی از تجارب میراثی گروه‌هایی مانند اقلیت‌ها و خرده فرهنگ‌هایی شود که در مؤسسات مجاز میراث^۱ مطلقاً و یا به اندازه کافی، نمایندگی ندارند (Caswell & Mallick, 2014).

ایجاد ارتباط بین میراث و یادآوری

شبکه‌های اجتماعی تعاملی ارتباط قوی مابین میراث و یادآوری را برجسته می‌کند (Silberman & Purser, 2012). آن‌ها به مردم این امکان را می‌دهند که وابستگی خود را به میراث شهری، که در خاطرات شخصی و جمعی ریشه دارد ابراز کنند. احساس جامعه می‌تواند از طریق این فرایند «با یکدیگر به یادآوردن» شکل بگیرد. همان‌طور که در مطالعات بر روی وب‌سایت‌های خاطرات مردم یافت شد، عمل اجتماعی به یادآوردن منجر به ایجاد اجتماعات برخط افرادی با گذشته مشترک می‌شود (De Kreek, 2013; Gregory, 2015; Simon, 2012). سازمان‌های میراث فرهنگی با استفاده از رسانه‌های دیجیتال برای جمع‌آوری خاطرات از جوامع مختلف شهری به این روند دامن می‌زنند، از طریق چنین فعالیت‌های مشترکی، صدای ساکنان شهری در این زمینه‌های نهادی جایگاه متمرکزتری پیدا می‌کند. این موضوع در مورد حافظه شخصی و جمعی با هدف توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی برای درک معانی گوناگونی همراه است که مردم به مناظر شهری نسبت می‌دهند (Taylor, 2016).

تعامل با مناظر شهری تاریخی از طریق روایت‌های برخط

تمرکز در اینجا بر روی شبکه‌های اجتماعی است، چراکه روش‌های جدیدی را برای تعامل با مناظر تاریخی شهر ارائه می‌دهد (Paganoni, 2015). سازمان‌های میراث فرهنگی مانند موزه‌ها و بابگانی‌ها از شبکه‌های

اجتماعی برای به اشتراک گذاشتن اشیاء از مجموعه‌های دیجیتال میراث و وارد شدن گفتگو با مخاطبان خود استفاده می‌کنند (Pruulmann-Vengerfeldt & Runnel, 2011). با این وجود، مخاطبان از این گونه فناوری‌های دیجیتال استفاده می‌کنند تا میراث خود را مستقل از موزه‌ها و بایگانی‌ها نشان دهند. شبکه‌های اجتماعی مانند تارنماها و گروه‌های فیسبوک و غیره، شهروندان و عموم مردم محلی را قادر می‌سازد تا به زبان خودشان گذشته شهری را روایت کنند (Gregory, 2015; Roued-Cunliffe & Copeland, 2017). این روش‌های میراثی در اینجا به عنوان فعالیت‌هایی برای مشارکت مردم در حفاظت از مناظر شهری درک می‌شود. در فرهنگ مشارکتی اینترنت، چنین روش‌هایی می‌تواند توسط نهادهای میراث فرهنگی یا توسط خود جوامع شهری آغاز شود. بحث اصلی در اینجا حول محور این موضوع است که چگونه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان وسیله‌ای عمل کنند که ارزش‌های مرتبط به مناظر تاریخی شهر را از طریق شیوه‌های روایی بازنمایی کند. روایت‌های به اشتراک گذاشته بر روی شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه مردم میراث را در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند. چنین روایت‌هایی در بیان داستان‌ها و تاریخ‌های مرتبط با میراث شهری حیاتی هستند. (Graham & Howard, 2008; Massey, 1995).

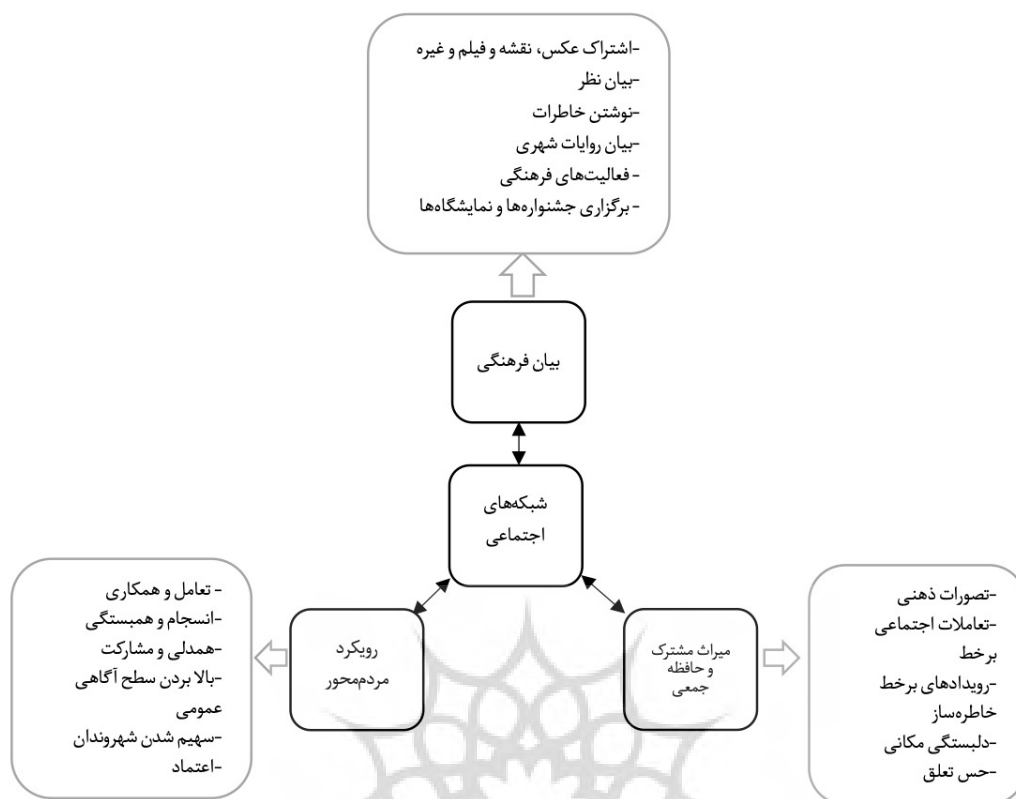
کاربرد شبکه‌های اجتماعی در بازتولید پویایی مناظر شهری تاریخی

استفاده گسترده از تلفن‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی گوناگون بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره را تغییر داده است. تعاملات اجتماعی-فرهنگی و مباحث مربوط به میراث و حفاظت شهری به طور فزاینده‌ای، چه در قالب انجمن‌های گفتگو و یا به اشتراک گذاشتن عکس‌ها، فیلم‌ها، تجربیات و نظرات از طریق شبکه‌های اجتماعی، به حوزه دیجیتال منتقل می‌شوند (Economou, 2015). شبکه‌های اجتماعی دسترسی تحلیل‌گران را به طیف گسترده‌ای از داده‌های مشترک مانند تصاویر دارای جغرافیایی، برچسب‌ها و یا نظرات فراهم می‌کنند (Owuor & Hochmair, 2020). هنگامی که مردم محتوایی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، این اقدامات بر خط تصویری جمعی از مناظر و ارزش‌های میراث را به قلمرو جامعه منتقل می‌کند (Dunkel, 2015). فرایند اشتراک‌گذاری، فضای برخط را به عنوان یک فضای فرهنگی-اجتماعی تأیید می‌کند، پلی را بین دنیای واقعی و دیجیتال ایجاد می‌کند و ابزارهای نوآورانه‌ای را برای درک علایق، اولویت‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای افراد فراهم می‌کند و باعث ایجاد مناظر شهری گوناگون از نگاه کاربران گوناگون دیجیتال می‌شوند و این خود به بازتولید مناظر شهری تاریخی در این فضاها منجر می‌شود. در اینجا به این نتیجه می‌رسیم که این دانش جدید در مورد حفاظت شهری و میراث فرهنگی از طریق به اشتراک‌گذاری جوامع مجازی به بازتولید مفاهیم و تعبیر جدیدی از میراث و مناظر شهری و پویایی و پیچیدگی آن منجر می‌شود.

چهار چوب مفهومی پژوهش

چهار چوب مفهومی این پژوهش براساس مرور ادبیات در مطالعات نظری جهان پیرامون این سه مفهوم کلیدی «بیان فرهنگی»، «رویکرد مردم‌محور» و «میراث مشترک و حافظه جمعی» در زمینه شبکه‌های اجتماعی و منظر شهری تاریخی ساخته شده است که در شکل (۱) آمده است و این گونه می‌توان توصیف کرد که ۱- شبکه‌های اجتماعی بستری برای میراث مردم‌محور است (Silberman & Purser, 2012, 25). ۲- روایت‌های برخط که شامل اشتراک عکس، نقشه، بیان نظر، خاطره و غیره در شبکه‌های اجتماعی است نوعی بیان فرهنگی است (Van House, 2007) و در کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی (یونسکو ۲۰۰۵) حمایت از کلیه این مظاهر فرهنگی توصیه شده است. ۳- شبکه‌های اجتماعی امکان ایجاد میراث مشترک و حافظه جمعی را فراهم کرده است (Trant, 2009).

حافظه جمعی یک ساختار اجتماعی از تجزیه زیسته در گذشته است (Halbwachs, 1997). این «یک جریان فکری پیوسته، از تداومی است که به هیچ‌وجه مصنوعی نیست، زیرا هیچ چیز از گذشته را حفظ نمی‌کند، مگر بخش‌هایی که هنوز زنده یا قادر به زندگی در ضمیر یک گروه هستند» (Halbwachs, 1997, 132). حافظه جمعی نوعی هویت، تداوم و انتقال معنایی از گذشته تاریخی یک جامعه است (Paez & Liu, 2011). حافظه جمعی پایه‌و‌اساس ارزش‌های یک جامعه است. رویکرد منظر شهری تاریخی تأکید دارد که اقدامات حفاظتی باید به نیازهای جوامع برای توسعه و انطباق با تغییر پاسخ دهد و درعین حال ویژگی‌ها و ارزش‌های مرتبط با حافظه جمعی آن‌ها را حفظ کند (UNESCO, 2011; O'Donnell & Turner, 2012). بیان فرهنگی ناشی از خلاقیت افراد و جوامع است و به شیوه‌های گوناگونی مانند معنای نمادین، بعد هنری و ارزش‌های فرهنگی را که از هویت‌های فرهنگی می‌گیرند یا بیانگر آن هستند و بخشی از میراث جمعی یک جامعه خاص هستند، بازنمایی می‌شوند (Kleymeyer, 1994; UNESCO, 2005). بیان‌های فرهنگی از طریق رسانه‌های گوناگونی مانند عکاسی، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها ارائه می‌شوند و به‌طور غیررسمی در جریان زندگی روزمره تجلی می‌یابند (Kleymeyer, 1994). ارزش‌ها و حافظه جمعی جوامع و نحوه بیان آن‌ها به میراث فرهنگی آن کمک می‌کند (UNESCO, 2016a). جوامع به کانون کنوانسیون‌ها و سیاست‌های ملی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند که خواستار به‌کارگیری رویکرد مردم‌محور در مدیریت شهری هستند (Friedman, 2016). این رویکرد از درگیرکردن مردم محلی و تقویت توانایی آن‌ها برای مشارکت معنادار در فرایند تصمیم‌گیری برای حفظ حافظه و هویت جمعی و افزایش قابلیت زندگی در شهرها پشتیبانی می‌کند (UNESCO, 2016b; ICCROM, 2015). عکس بخشی از حافظه، روایت و هویت افراد است (Van House, 2007). وقتی عکس‌ها برای مشاهده عموم در شبکه‌های اجتماعی پست می‌شوند، نقشی در ایجاد روایت و خاطره جمعی در میان مکان‌های مشترک، شیوه‌های اجتماعی و فعالیت‌هایی دارند که زندگی روزمره را شکل می‌دهند. در این زمینه، شبکه‌های اجتماعی رسانه جدیدی را برای ساخت حافظه مستمر جوامع ارائه می‌کنند که نشان‌دهنده تغییراتی است که در طول زمان در دارایی‌های میراث رخ می‌دهند و بیان پویای هویت معاصر را منعکس می‌کند (Silberman & Purser, 2012). چنین دانشی می‌تواند بینش‌هایی را در مورد هویت‌های چندگانه‌ای که در یک بافت خاص هم‌زیستی دارند، مانند هویت ملی، فرهنگی، زبانی و مذهبی ارائه دهد. این هویت‌های چندگانه نه‌تنها به وابستگی مذهبی، بلکه به طبقه سیاسی، اجتماعی و بسیاری از دارایی‌های دیگر مربوط می‌شود (Sen, 2007). حاشیه‌نویسی عکس‌ها با برچسب‌ها یک پردازش شناختی است که علایق و ادراک کاربران را منعکس می‌کند، زیرا این برچسب‌ها بیان کلامی محتوای قابل مشاهده عکس‌ها هستند که بازتاب‌های شخصی، احساسات و افکار را در برمی‌گیرند (Nov & Naaman, 2008; Sigurbjornsson and van Zwol, 2008; Trant, 2009). احساس می‌شوند، بنابراین برچسب‌های مشترک شکلی از معنای جمعی هستند (Trant, 2009). در این زمینه، ارسال عکس، به اشتراک‌گذاری و حاشیه‌نویسی آن‌ها با علامت نوعی بیان فرهنگی است که در آن کاربران تعیین می‌کنند که چه چیزی فرهنگی تلقی می‌شود. بنابراین، تجزیه و تحلیل این ابردادها به درک و شناسایی تفسیر عمومی از میراث کمک می‌کند و به‌عنوان پشتوانه‌ای متمایز از مکان‌های مشترک و احساس تعلق در مناظر روزمره ظاهر می‌شود (Rautenberg, 1998; Tweed & Sutherland, 2007).

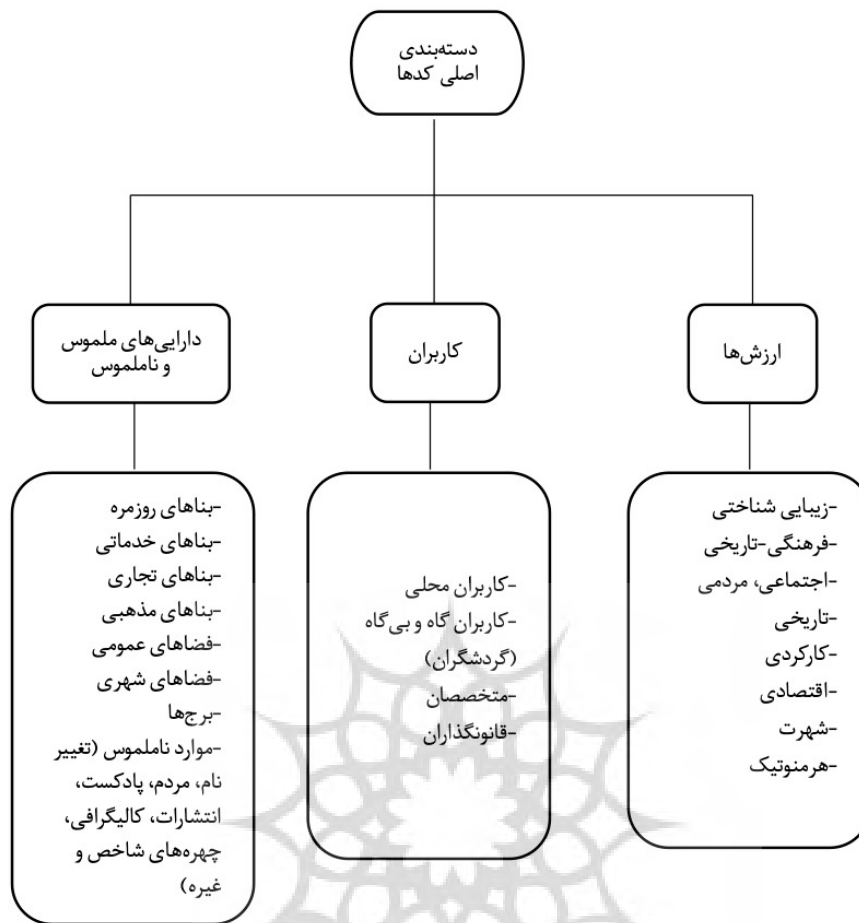


شکل ۱. چهارچوب مفهومی پژوهش با توجه به مفاهیم مرتبط با منظر شهری تاریخی و شبکه‌های اجتماعی

روش‌شناسی

پژوهش حاضر مسیر خود را با توجه به ماهیت پیچیده و جدید بودن مسئله در دو مرحله ارائه کرده است. بخش اول پژوهش با رویکردی بنیادی-نظری به تحلیل و بازخوانی گفتمان جهانی حال حاضر پیرامون مباحث مرتبط با منظر شهری تاریخی و میراث شهری و شبکه‌های اجتماعی در مقالات و کتاب‌ها پرداخته است و در بخش دوم داده‌های پژوهش از طریق مشاهده غیرمشارکتی از میدان، که در اینجا بستر اینستاگرام است، گرفته شده است. داده‌ها شامل نظرات، خاطرات، تصاویر و ویدئوهای منتخب در شبکه اجتماعی اینستاگرام و همچنین فایل‌های صوتی و پادکست‌هایی که مربوط به توصیف شهر تهران است، می‌شود (چه فضاهای موجود و چه فضاهای از دست‌رفته شهر). دلیل انتخاب شبکه اجتماعی اینستاگرام پرمخاطب بودن آن بود که براساس آمار ایسپا در تیرماه ۱۴۰۰ شمسی با ۵۳.۱ درصد بیشترین تعداد کاربر را پس از واتس‌آپ با ۷۱.۴ درصد داشته است. همچنین شهر تهران بیشترین تعداد صفحه و بازخورد را در این بستر نسبت به شهرهای دیگر ایران دارد و به دلیل جامعیت و قابل اتکا بودن نمونه‌ها و همچنین تمرکز اکثریت این صفحات بر روی این شهر به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شد. فرایند داده‌کاوی و استخراج داده‌ها در فضای مجازی به صورت زیر انجام شد: ۱- یافتن داده‌ها بر روی وب ۲- تمیز و مرتب کردن داده‌ها و آماده‌سازی آن‌ها برای گزارش‌های اولیه ۳- شناسایی روابط حاکم بر داده‌ها و تحلیل آن‌ها. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند (نمونه‌گیری شبکه‌ای یا نمونه‌گیری گلوله برفی) استفاده کردیم و حجم نمونه براساس وارن (2002) و کراچ و مکزی (2006) بین ۲۰-۱۰ انتخاب شده و نمونه‌گیری دقیق تا به اشباع رسیدن کدها ادامه داشت.

در ابتدا ۷۶ صفحه از تعداد ۱۵۰ صفحه که بر روی موضوعات میراث معماری و شهری متمرکز بودند انتخاب شد و پس از آن با تمرکز بر روی شهر تهران ۱۲ صفحه از این صفحات برگزیده شد و همچنین تعداد ۲۵ پست که به صورت تصادفی جهت افزایش اعتبار پژوهش انتخاب شد. برای استخراج داده‌ها در بستر اینستاگرام از نرم‌افزار وب‌هاوری که یک نرم‌افزار خزنده داده‌های وب است، استفاده شد که برای هر پست از ۱۲ صفحه انتخاب شده، کامنت‌ها و همچنین تعداد لایک‌ها و تاریخ هر پست و تعداد کامنت‌ها و عکس‌ها و توضیحات مربوط به پست (کپشن) به صورت فایل اکسل ذخیره شد. این صفحه‌ها شامل عکس، نقشه، خاطرات، فایل‌های صوتی و روایات مربوط به شهر تهران بود که در صفحات مربوط به خبرگزاری‌ها و ارگان‌های معتبر میراث و یا اشخاص حقیقی وجود داشت. کار ابتدا با کدگذاری باز آغاز شد و استراتژی به این صورت بود که نوع محتوای به اشتراک گذاشته شده (عکس، خاطرات، روایات، نقشه‌ها و غیره) و همچنین دسته‌بندی موارد به اشتراک گذاشته شده در این مرحله برچسب‌گذاری شد. در ادامه با استفاده از کدگذاری محوری لیست کدها با ادغام کدهای مشترک و حذف کدهای نامربوط محدود و همچنین ارتباط بین کدها نیز در این مرحله بررسی شد. آخرین مرحله با بهره‌گیری از کدگذاری گزینشی موضوعات اصلی و کلیدی مشخص شد که با آن بتوان اهداف پژوهش را پوشش داد. این پژوهش از روش تطبیق تفاوت‌ها از راه توافق و اجماع استفاده کرد. در این رویکرد دو یا چند نفر از اعضای گروه تحقیق، تمامی داده‌ها را کدگذاری می‌کنند و پایایی ارزیاب‌ها براساس کل مجموعه محاسبه می‌شود (Bradley, Curry & Devers, 2007). سپس اختلاف نظر در کدگذاری از راه توافق نظر و اجماع حل می‌شود. همچنین قبل از اجرای تحقیق برای کاهش هرگونه نگرانی در زمینه اخلاقی و حریم خصوصی، پیش از استخراج داده‌ها با سرپرستان این شبکه‌ها ارتباط برقرار شد و از آن‌ها اجازه استفاده از مطالب صفحات گرفته شد و توافق شد که نام صفحات به صورت عدد نمایش داده شود. این اطلاعات از تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۰ تا ۶ دی ۱۴۰۱ شمسی (۲۰ دسامبر ۲۰۲۱ تا ۲۷ دسامبر ۲۰۲۲ میلادی) استخراج شدند. در راستای پاسخگویی به پرسش تحقیق، از روش تحلیل محتوای کیفی از میان کامنت‌های استخراج شده از صفحات مورد نظر و برنامه NVivo استفاده شد. این کار این امکان را فراهم کرد که اسناد را به منظور تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی آن‌ها، کدگذاری کنیم. براین اساس، داده‌ها در سه کد اصلی دسته‌بندی شد: (۱) کاربران، که به صورت فعالانه و یا منفعلانه در این فضا مشارکت داشتند و شامل کاربران محلی، کاربران گاه و بی‌گاه (گردشگران) و متخصصان شد. (۲) دسته‌بندی موارد استخراج شده از صفحات مورد نظر که در دو دسته کلی ملموس و ناملموس دسته‌بندی شده که هرکدام از آن‌ها شامل زیرمجموعه‌هایی شده است. (۳) ارزش‌های موجود در این فضا که شامل ارزش شهرت، زیبایی‌شناختی، فرهنگی-تاریخی، کارکردی، هرمنوتیک، اجتماعی و اقتصادی شد. در ادامه کدهای اصلی و زیرمجموعه‌های آن‌ها نمایش داده شده است (شکل ۲).



شکل ۲. روش کدگذاری مورد نظر در این پژوهش

یافته‌های پژوهش

نخست خلاصه کوتاهی از محتوای پست‌های هر صفحه و هدف از ایجاد این صفحه‌ها آورده شده و پس از آن تحلیل کیفی نتایج ارائه می‌شود. به صورت کلی ۱۲ صفحه از بین ۷۶ صفحه، که نحوه انتخاب آن‌ها به تفصیل در بخش روش‌شناسی آمده است، انتخاب شده و محتوای آن‌ها در مورد موضوعات مستندسازی شهرها و حفاظت از بناها و محوطه‌های مدرن و معاصر، ایجاد کمیته‌های مردم‌نهاد برای پیگیری حفاظت از شهرهای تاریخی، ایجاد رسانه زندگی شهری که شامل ویدئو، پادکست، اینفوگرافی، گزارش متنی و گزارش تصویری می‌شود، روایت تصویری از کشف معماری تاریخی و معاصر، تاریخ شفاهی معماری تاریخی و معاصر، جستجویی در شهرها و روایت تصویری از منظر شهر تهران، روایت مکان‌های خاموش و رسانه‌ای برای شهر و شهروند فعالیت می‌کنند که این توضیحات در بخش توضیحات هر صفحه به منظور معرفی این صفحات آمده است. همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد برای مدت زمان یک سال اطلاعات از صفحه‌های مورد نظر استخراج شد. در ادامه در جدول (۱) تعداد پست‌ها و تعداد دنبال‌کنندگان، تعداد نظرات و تعداد عکس‌های به اشتراک گذاشته برای هر صفحه آورده شده است که تمامی موارد آمده در این جدول به منظور رسیدن به کدهای نهایی بررسی شده است.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به ۱۲ صفحه انتخاب شده در بستر اینستاگرام

صفحه	تعداد دنبال‌کنندگان	تعداد پست‌ها	تعداد نظرات	تعداد عکس‌ها
۱	۳۶۷۰۰	۲۳۹	۱۹۸۷	۲۶۳
۲	۲۱۰۰۰۰	۳۰۲۲	۱۲۳۷	۱۸۶
۳	۱۸۰۰۰	۴۸۲	۲۹۷	۱۴۶
۴	۶۵۵۰۰	۱۱۴۷	۲۸۲۲	۳۱۱
۵	۶۳۵۰۰	۱۳۹۳	۴۹۱	۲۷
۶	۹۷۴۳	۳۱۵	۲۸۱	۸۲
۷	۲۷۷۰۰	۶۴۱	۴۱۶	۴۲
۸	۶۰۹۸	۱۰۷	۹۰	۳۶
۹	۳۵۲۹	۲۴۴	۱۵۹	۱۹۶
۱۰	۵۲۴۳	۹۰	۸۱۵	۳۳۱
۱۱	۱۳۰۰۰	۳۳۲	۷۳۳	۷۴
۱۲	۹۷۳۱	۵۵۰	۱۰۳	۳۶

در ابتدا و پیش از شروع تحلیل محتوای هر پیج این موضوع خاطرنشان می‌شود که هدف از این پژوهش مقایسه نتایج هرکدام از صفحه‌ها نیست و همچنین این تحقیق خواستار طبقه‌بندی ارزش‌های متفاوت میراث نیست بلکه بر روی این موضوع تأکید دارد که چگونه ارزش‌ها از طریق محتوای تولیدشده توسط مردم در فضای مجازی به شهر نسبت داده می‌شوند و مردم چگونه شهر را ادراک می‌کنند و چگونه با منظر روزمره شهر و میراث شهری تعامل دارند و از طریق همین تعامل، روایاتی از هویت و میراث محلی را ایجاد می‌کنند.

ارزش اجتماعی یا مردمی

با تحلیل محتوای صفحه‌های مورد نظر اولین کدی که به دست آمد ارزش اجتماعی یا مردمی بود که به‌عنوان نمونه مواردی از آن‌ها در ادامه آمده است:

- واقعاً پارک شفق خاص و زیباست و برای من که در یوسف‌آباد به دنیا آمدم پر از خاطره است و هیچ‌کس حق این را ندارد که تغییراتی رو به آن تحمیل کند که توسط بسیاری از مردم و همچنین سازنده آن غیراصولی و مردود است و از شخصیت اصلی طرح و ایده اولیه آن دور شده است.
- به‌نظر می‌رسد که تخریب خانه خیابان سنایی بدون توجه به بافت پیرامونی آن و تأثیری که در رشد شهری و اقتصادی دارد اتفاق افتاده و عمیقاً خواستار جلوگیری از این تخریب‌ها در موارد مشابه هستیم.
- ما از همه شما این درخواست و دعوت را داریم که برای توقف تخریب خانه ثابت از طریق این لینک اقدام کنید، تا الان ۱۵۰۰ امضا جمع شده است.

این پست‌ها و موارد مشابه حاکی از مواردی از قبیل حق مشارکت اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های شهری، اطلاعاتی‌هایی برای شرکت در توقف تخریب بناها و بافت‌های شهری و همچنین بحث‌هایی در مورد از دست رفتن منافع مشترک است و در مورد شکلی از فعالیت دیجیتال در مورد رقابت بر سر روش‌های توسعه محلی و همچنین ایجاد حقی برای مشارکت در تولید و بازتولید شهر بحث می‌کند (Cauchi - Santoro, 2016). ارزش اجتماعی نه از طریق روایاتی در مورد تاریخ شهر و با آنچه که به‌عنوان میراث تخمین زده می‌شود، به بیان درمی‌آید و نه از طریق مفهوم سازی‌هایی مرتبط با زیبایی‌شناسی بصری یا اصالت مطرح می‌شود؛ بلکه ریشه در تعلق و خیر مشترک و جمعی دارد. در توصیه‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های اخیر، میراث به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت نه تنها هویت محلی، بلکه دموکراسی، مشارکت و توسعه پایدار تأیید شده است (UNESCO, 2011; Council of Europe, 2005). بنابراین این تحلیل دانشی را ارائه می‌دهد در مورد اینکه چگونه جوامع بر خط روایات محلی خود را براساس رویکرد از بالا به پایین توسعه شهری که توسط مقامات دولتی و شهرداری هدایت می‌شود، بروز می‌دهند و همچنین حقی برای خود در مورد تولید مشترک شهر ایجاد می‌کنند.

ارزش هرمنوتیک

علاوه بر ارزش اجتماعی و مردمی، کاربران اینستاگرام به مواردی از اهمیت معنایی، مفهوم و نمادگرایی در خصوص میراث شهری به کار برده‌اند که این توجهات مربوط به ارزش هرمنوتیک در این پژوهش است که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود:

- کاش می‌شد تمام این‌ها را برای تمام سالیان حفظ کرد... این منطقه فقط به چند بنای شاخص آن محدود نمی‌شود بلکه کل بافت اطراف هم به‌عنوان میراث شهری شناخته می‌شود و بایستی حفظ شود.
- این خیابان از آن ماست و دارای ارزش زیادی است.
- همین‌طور که تمامی این بناها تخریب می‌شوند خاطرات ما هم با آن‌ها دارد از بین می‌رود و دیگه چیزی از تاریخ این شهر باقی نمی‌ماند.
- خاطره نابودکن‌ها... خاطره محوکن‌ها...

در موارد بیان شده در بالا بحث‌هایی در مورد تخریب میراث، ادعاهایی در مورد مالکیت عمومی میراث و تصدیق تمامی مناطق شهری به‌عنوان میراث دیده می‌شود. بسترهای دیجیتالی فضایی را برای خودبیانگری و ساخت هویت ایجاد کرده است. در دو مورد اول دیده می‌شود که چگونه کاربران، فضاهای عمومی شهر را به‌عنوان میراث فرهنگی تلقی می‌کنند و در مورد آن‌ها ادعای مالکیت می‌کنند. به‌علاوه، این مباحث در مورد از دست دادن میراث با فقدان خاطره جمعی و ارزش‌های معماری و زیبایی شناختی همراه است. بیشترین ارتباط با این بحث، نظریه ناهماهنگی میراث و تضادهای مربوط به هویت محلی و ملی، روایات میراث و مالکیت میراث است (Harvey, 2001; Caquard, 2013).

ارزش عملکردی

در خصوص ارزش عملکردی به‌طور کلی می‌توان به احساسات منفی‌ای اشاره کرد که در خصوص نادیده گرفتن بسیاری از بناها و فضاهای شهری و از دست دادن کاربری و عملکرد آنها به‌وجود می‌آید:

- آلودانیه محله دنجی بود مثل خیلی از محله‌های دیگه تهران ولی طی این سال‌ها با ساخت‌وساز برج‌ها چه تجاری مثل عرش آلودانیه و چه مسکونی (مثل برج سر کوچه ۱۴ شرقی که با تخریب باغ

بزرگی ساخته شد) کم‌کم محله شلوغ و پر از اتومبیل و رفت و آمد شد.

- اینجا عالی‌ه واقعاً. من از وقتی که به دنیا اومدم تا همین الان که بیست سالمه همین جا ساکن بودیم ولی خب اینم باید بگم که خیلی چیزها تو اینجا مثل سابق نیست؛ مثلاً بی‌نهایت شلوغ شده اجودانیه و حتی تا ساعت ۲ نصفه شب هم صدای ماشین زیاده و کلاً هم خیابون و هم کوچه شلوغ شدن و یه جورایی اون باصفایی قبلمش رو از دست داده، خیلی از خونه‌ویلاهایی که کوبیدن و برج ساختن که خب کلی از درختا قطع میشن هر سال سر این داستان و هم خیلی بیشتر از ظرفیت کوچه‌ها ماشین و افراد بروویا دارن. یا مثلاً بی‌حساب و کتاب مجوز به خیلی‌ها میدن تا از ملک شخصی شون استفاده تجاری بکنن؛ مثلاً الان توی کوچه ما که دوازدهم شرقی هست یه سوپرمارکت یه پت‌شاپ و یه مهدکودک باز شده طی چندسال و خب خود کوچه با این همه برج شلوغ بود یا اینا دیگه کامل از ریخت و قیافه افتاده و خیلی‌ها اصلاً ملاحظه هم ندارند و رعایت هیچی رو نمی‌کنند، خلاصه که اینجا خوبه ولی بعضی کوچه‌هاش که هنوز گرفتار این مواردی که گفتم نشدند، آجودانیه دیگه اون آجودانیه سابق نیست!

اگرچه ارزش‌های عملکردی همیشه به در نظر گرفتن برخی از ویژگی‌های ملموس به‌عنوان میراث کمک نمی‌کند، عدم شناخت جنبه‌های عملکردی میراث می‌تواند پیامدهای فاجعه‌باری داشته باشد، چراکه از استفاده پایدار از میراث جلوگیری می‌کند و میراث را از نقش خود در یک سیستم اجتماعی پایدار محروم می‌کند (Taylor, 2016). نظرات بالا نشان می‌دهند که چگونه استدلال‌هایی براساس عباراتی منفی ساخته شده‌اند تا از دست دادن ارزشی را نشان دهد که در یک زمینه خاص مرتبط‌ترین است. کارکردهایی که به میراث فرهنگی اختصاص داده می‌شوند همواره ریشه در ترجیحات اجتماعی ندارند و گاهی اوقات سیاسی می‌شوند؛ زیرا ذی‌نفعان ارزش متفاوتی را براساس منافع و انتظارات خود به میراث اختصاص می‌دهند. زمانی که مردم (کاربران) عمدتاً به ارزش اجتماعی میراث، از جمله ارزش معنوی، سن، کاربرد، ارزش‌های عاطفی و سرگرمی توجه دارند، تصمیم‌گیرندگان بیشتر به بعد سیاسی توجه می‌کنند و متخصصان در درجه اول به ارزش ذاتی اهمیت می‌دهند (Haskins, 2015).

ارزش اقتصادی

ارزش اقتصادی به‌عنوان دغدغه اصلی مردم و عاملی اولیه که باید در اقدامات توسعه در اولویت قرارگیرد بیان شده است:

- این بنا تاریخ رشد و شکوفایی اقتصادی تهران بود که فروریخت، تهرانی که به یکی از آلوده‌ترین شهرهای دنیا تبدیل شد
- تأثیر منفی بالقوه طرح پیشنهادی این است که نقش اقتصادی منطقه را دوباره فعال نمی‌کند.
- برخی از پروژه‌ها نه تنها به اقتصاد یک شهر لطمه وارد می‌کنند بلکه تصویر یک شهر را نیز نابود می‌کنند...

این نظرات نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی-اجتماعی از دغدغه‌های اصلی شهری محسوب می‌شود. این استدلال‌ها تنها به ارزش‌های تاریخی و زیبایی‌شناختی محدود نمی‌شود. در عوض آن‌ها واقعیت اجتماعی و اقتصادی شهر را در نظر می‌گیرند. نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی و شرایط سخت زندگی باعث ایجاد تنش‌ها و درگیری‌های میراثی پیرامون شهر می‌شود و نباید آن‌ها را نادیده گرفت (Baker & Collins, 2016). علاوه بر این، فقر چالش‌هایی را برای طرح‌های میراث فرهنگی ایجاد می‌کند، زیرا در شهرهای فقیر میراث

هنوز در اثبات سهم قابل توجه در توسعه اجتماعی-اقتصادی موفق نبوده است (Wilsom & Desha, 2016). در این زمینه‌ها علاوه بر انجام کارکردهای فرهنگی، میراث نیز باید برای کمک به اقتصاد محلی فراخوانده شود و فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان حفاظت از میراث در بحث اقتصادی ادغام شود. ارزش اقتصادی میراث ممکن است با ارزش هرمنوتیکی میراث تضاد داشته باشد که بین عقلانیت اقتصادی و عقلانیت فرهنگی تضاد ایجاد می‌کند (Grefe, 1998).

ارزش شهرت

ارزش شهرت، که به افتخار، سربلندی، آوازه و دیده‌شدن اشاره دارد (Heinich, 2017) در این پژوهش در احساسات مختلفی نمود پیدا می‌کند:

* مجموعه پذیرایی بیسترو پاپ که در سال ۱۳۴۸ توسط شرکت کاتر فرانسه و با عاملیت فتح‌الله سمیعی و هنرمندی منیژه ریاحی در سه طبقه احداث شده، یکی از آثار «وارطان هوانسیان» است که خوشبختانه هنوز پابرجاست و به دلیل شهیربودن آرشیوتکت و همچنین تاریخچه ویژه خود قابلیت ثبت ملی را دارد.
* شاید مهم‌ترین بنای محله‌ی نیاوران «ویلا نمازی» اثر جو پونتی آرشیوتکت مدرنیست ایتالیایی‌ست؛ ویلایی که تک‌تک اجزای آن همچون مجسمه‌ای ارزشمند طراحی و اجرا شده است.

شهرت یک برداشت مشترک و جمعی از یک شیء، فرد یا مکان است و جزء اصلی هویت است (Harvey, Mor- ris & Muller Santos, 2017). بسترهای برخط را می‌توان به‌عنوان پروکسی‌های شهرت و محتوای تولیدشده توسط کاربران به‌عنوان نمونه‌ای از شهرت در نظر گرفت (Marchiori & Contoni, 2011). ساختار شهرت میراث بسیار پیچیده است. مونتیرو و همکاران (2015) چهار چوبی را پیشنهاد کردند که ابتدا توصیف میراث در مکان و زمان، سپس ارزش‌ها و باورهای میراث و نگرش نسبت به میراث را در نظر می‌گیرد. داده‌های رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به اندازه‌گیری شهرت میراث و به دست آوردن نظر عمومی در مورد شیوه‌ها و سیاست‌های میراث شهری کمک کند (Monteiro, Painho & Vaz, 2015). موارد ذکرشده در بالا در مورد این پژوهش، نشان می‌دهد که ارزش شهرت ریشه در گذشته دارد و در حال و آینده پیش‌بینی نشده است. بیشتر به تفسیر جامعه از تصویر گذشته اشاره دارد و اینکه مردم چگونه شهر قبلی خود را درک می‌کنند.

ارزش فرهنگی-تاریخی

ارزش‌های فرهنگی-تاریخی از نگاه یوکیلهتو، در سه گروه دسته‌بندی می‌شوند: ارزش هویتی (ارزش خاطره‌انگیزی و عاطفی)، ارزش نسبی هنری و فنی، و ارزش کمیاب‌بودن (طالبیان و فلاح، ۱۳۸۸، به نقل از یوکیلهتو). که در اینجا بدین‌گونه بدان اشاره شده است:

* و چه خاطره‌ها داریم از این سینما، نسل ما. امروز از جلوش رد شدم و چقدر افسوس خوردم نه تنها اینجا، از میدان راه آهن تا ولیعصر که آمدم این حس را داشتم، متأسفانه شهر کامل در حال تخریب است یا تخریب شده...

* یعنی کاملاً زیبایی بنا را از بین بردن، نمی‌شه یه جاهایی را اصلاً نگاه هم نکنن بگذارن به حال خودش بماند؟
* واقعاً حیف که همه جای شهر فقط آپارتمان شده و ساختمان‌های زیبا و خاص که اصالت و زیبایی شهر بودن همه خراب شدند...

* به کار استخون‌دار و با اصل و نسب ... خط و خطوط و لغزش سطوح ختم نما و بازی احجام ...

* یک آسیاب که قدمتش به دوره زندیه می‌رسد متروکه و رها میان مجتمع‌های مسکونی مرزداران هست، سند ثبتی و وقف‌نامه‌اش را پیدا کردیم و برای بازسازی آن به شهردار منطقه ۲ پیشنهادی ارائه کردیم اما خبری نشد. احیای این آسیاب می‌تواند این منطقه نسبتاً جدید را به تاریخ این سرزمین پیوند بزند.

مجموعه شهری بناهای تاریخی در یک شهر گواه تاریخ یک قلمرو، توسعه و دگرگونی‌های آن است. ساختمان‌های روزمره یا «معماری پس‌زمینه» بایستی به دلیل ارزش‌های فرهنگی خود محافظت شوند، به‌ویژه با توجه به شکنندگی زیاد آن در برابر فشارهای توسعه شهری (Lamy, 2021). این مثال‌ها نشان می‌دهد که چگونه ارزش فرهنگی از طریق لایه‌بندی‌های پیچیده میراث شهری بیان می‌شود و چگونه این چشم‌اندازهای فرهنگی و طبیعی در شهر، گذشته را به حال مرتبط می‌کند و تخریب آن‌ها به هویت شهر لطمه وارد می‌کند. میراث شهری، که قبلاً تنها به حفاظت از اجزای فیزیکی ساخته‌شده به دلیل ارزش فرهنگی - اساساً هنری، معمارانه و تاریخی توجه می‌کرد، امروزه درصدد است تا به صورت کلی‌تر به شهرها بپردازد و جوامعی که در این شهرها زندگی می‌کنند به‌عنوان متولیان و ذی‌نفعان اصلی آن شناخته می‌شوند (Ripp & Rodwell, 2015).

ارزش زیبایی‌شناختی

در نهایت آخرین کدی که از محتوای صفحات به دست آمد ارزش زیبایی‌شناختی بود که بدین‌گونه بیان شده است:

* درون این کلیسا هم به شدت زیباست و فضای مسحورکننده‌ای دارد...

* به عمارت بسیار زیبا در منطقه جماران، در انتهای محله حصارک واقع شده که سبک معماریش منحصر به فرد و قدمت زیادی دارد

* آدم قلبش می‌گیره که به جای بازسازی و مرمت اصولی، این‌طور بناهای خاص را بزک می‌کنند و شهر این چهره زشت را به خودش می‌گیره...

ارزش زیبایی‌شناختی همان‌طور که در تحلیل‌های ذکر شده نیز به‌عنوان الزاماتی از معنا، منافع مشترک و اصالت ذکر شده است به‌طور اجتناب‌ناپذیر نیاز به زیبایی ندارد. این گفتگو ما را به بحث در مورد تصاویر خوش‌منظره در برابر تصاویر معرف شهر هدایت می‌کند. در این تحلیل مشخص است که مردم بیشتر به فکر اصولی بودن کارهای انجام‌شده در شهر هستند تا صرفاً زیبایی بناها. علاوه بر این یک رویکرد زیباسازی برای حفاظت شهری که عمدتاً نماهای مشرف به خیابان‌های اصلی را هدف قرار می‌دهد، در کشورهای در حال توسعه بسیار رایج شده است. این ابتکارات عمدتاً به دنبال ارتقای فعالیت‌های گردشگری و همچنین پیشبرد وضعیت اقتصادی هسته‌های تاریخی شهر است، اما اغلب منجر به ناامیدی شده و منافع اقتصادی پیش‌بینی شده را به همراه نداشته است. محدود کردن حفاظت به بهبود فیزیکی بناهای ثبت‌شده منجر به تولید امتیاز خاصی از میراث و مکان می‌شود و روایت‌های میراث محلی، شیوه‌ها و ارزش‌ها و میراث را کنترل می‌کند (Daher, 2007; Fan, 2014).

از آنجایی که کاربران اینستاگرام برداشت‌ها و دیدگاه‌ها خود را در مورد آنچه باید ارزش‌گذاری کرد و نگرانی‌های توسعه و حفاظت شهری را برای ارزیابی عمومی در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند، به ساخت مشترک ارزش‌های مشترک و فرایند تولید مشترک دانش محلی کمک می‌کنند. تحلیل محتوای صورت‌گرفته در داده‌های اینستاگرام بینش‌هایی در مورد اصول حاکم بر قضاوت ارزش از طریق درجه محتوای تولیدشده توسط کاربران ارائه کرده است. ارزش‌های اجتماعی گوناگون می‌توانند دانشی رقابتی ایجاد کنند که از طریق فرایندهای تولید مشترک دانش مدیریت شوند که از این طریق تعبیرات صرف کارشناسان به یک جامعه

فرارشته‌ای متشکل از متخصصان، تصمیم‌گیران و کاربران گسترش می‌یابد (Kenter et al., 2019).

بحث و بررسی

درواقع می‌توان این‌طور استدلال آورد که فراداده شبکه‌های اجتماعی که شامل عکس‌ها، محتوای^۱ ایجادشده توسط کاربر، تفسیرها، داده‌های مکانی، داده شخصی کاربر (سن، جنس و حرفه) می‌شود ابزار جدیدی برای درک میراث شهری در اختیار کاربر قرار می‌دهد و روش‌هایی که بر روی این اطلاعات تکیه دارند می‌توانند روش‌های سنتی بررسی خصوصیات منظر شهری تاریخی و دامنه اعتبار میراث مرتبط با آن در زمینه اقدامات روزمره و تعاملات کاربر با محیط را تکمیل کنند. درگیرکردن شهروندان در نوآوری‌های میراث برخط به درک غنی‌تر از گذشته و تاریخ چندگانه شهرها منجر می‌شود. این فعالیت‌های مشارکتی می‌تواند شکل‌ها و فرم‌های متفاوتی به خود بگیرد، همانند پروژه‌های جمع‌سپاری از طریق آرشیوهای شهری، وب‌نوشت‌های میراث و گروه‌های فیس‌بوک با عکس‌های تاریخی و غیره. همچنان که ابزارهای دیجیتال برای ثبت گذشته بیشتر در دسترس قرار می‌گیرند و همچنین مورد پسند کاربران بیشتری قرار می‌گیرد، تعداد بیشتری از افراد می‌توانند در پروژه‌های میراث شهری سهیم شوند. به علاوه، شبکه‌های اجتماعی روش‌های ساده‌تری را برای جوامع شهری جهت تعاملشان با میراث تأمین می‌کند. در نتیجه، ابتکارات جدید خصوصی و عمومی میراث در فضاهای برخط در حال پدید آمدن است. این فعالیت‌ها می‌تواند به‌عنوان تارنماهای مشارکتی میراث تعریف شود: سایت‌هایی که محتوای میراثی آن‌ها یا با همکاری شهروندان و به زبان خود آن‌ها و یا توسط مؤسسات فرهنگی جمع‌سپاری می‌شود. تارنماهای مشارکتی میراث به اجتماعات گوناگون شهری صدایی برای فعالیت‌های میراثی می‌دهد. چارچوب روش شناختی این پژوهش بر پارادایم ساخت‌گرایانه مبتنی بر مطالعه هرمنوتیک استوار است تا بینشی در مورد ساخت‌های اجتماعی معنای مناظر روزمره در یک جامعه مجازی ارائه دهد. ساخت اجتماعی مربوط به روایت‌های مجازی مردم در مورد شهر و مشارکت آن‌ها به‌صورت فعال و منفعل در ساخت این معناست. این‌طور استدلال می‌شود که این روش قابل انتقال است و می‌توان از آن برای تفسیر داده‌ها در بسترهای دیجیتال گوناگون استفاده کرد. همچنین می‌تواند از یادگیری در مورد علایق و ارزش‌های فرهنگی گروه‌های مختلف حمایت کند، بنابراین توسعه برنامه‌ها و سیاست‌های مدیریت میراث فرهنگی را تسهیل می‌کند، نگرانی‌ها را برای ذی‌نفعان مختلف تعدیل و توسعه فراگیر و پایدار را ارائه می‌کند.

مشخصه اساسی شهرها ماهیت پویای آن‌هاست، محیط‌های شهری مکان‌هایی هستند که تنوع غنی از مردم در ترکیبی دائماً در حال تغییر دور هم جمع می‌شوند. هر اجتماع و هر نسلی، به میراث در حال گسترش ملموس و ناملموس شهرها می‌افزاید. آن‌ها به بناها، داستان‌ها، روایات، شعرها و سنت‌هایی که به نسل‌های آینده منتقل خواهد شد، شکل می‌دهند. این میراث شهری منبع مهمی به‌شمار می‌رود، که احساسی از تعلق، غرور و استمرار را فراهم می‌کند. این وابستگی به محیط شهری است که مردم را به همکاری در تارنماهای مشارکتی میراث به‌عنوان یک داوطلب (دیجیتال)، متخصص یا علاقه‌مند به میراث ترغیب می‌کند. با این وجود، درک تعریف کاربران از میراث و وسعت ارزش‌های فرهنگی که به منظر شهری تاریخی نسبت می‌دهند، همچنین حصول اطمینان از به‌کارگیری این تعاریف متعدد و گوناگون در این فرایند چالش‌برانگیز است و اغلب در عمل نادیده گرفته می‌شود (Ginzarly & Teller, 2018). شیوه‌های روایی برخط، به درک لایه‌بندی پیچیده مناظر شهری کمک می‌کند. در واقع، گذشته یک شهر را نمی‌توان به یک روایت واحد که اغلب توسط کارشناسان و متخصصان مدیریت شهری ایجاد می‌شود تقلیل داد؛ چرا که جوامع شهری (به‌عنوان مثال: خرده‌فرهنگ‌ها، مهاجران و نسل‌های مختلف) که اغلب نقشی در امور شهری ندارند و ممکن است درک متفاوتی از میراث

شهری داشته باشند، نادیده گرفته می‌شوند.

در حالی که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند منبع داده‌ای آموزنده‌ای برای پژوهش‌های اجتماعی و محیطی باشند، نگرانی‌هایی در مورد سوگیری در این داده‌ها و توانایی آن‌ها برای ارائه رویکردی قابل اعتماد در فرایندهای اجتماعی و محیطی وجود دارد (Ruths & Pfeffer, 2014). برخی سوگیری‌های شناخته‌شده در کاربران شبکه‌های اجتماعی این‌گونه بیان می‌شود: کاربران کمتر در مناطق روستایی نسبت به ساکنان شهری و همچنین نادیده گرفتن افرادی که از فناوری گریزانند تبعیض ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال افراد مسن (Pew Research Center, 2014). فراتر از این موارد شناخته‌شده، عموماً اطلاعات کافی در مورد کاربران شبکه‌های اجتماعی برای شناسایی جامعه نمونه مطالعاتی وجود ندارد، چراکه نگرانی‌هایی در مورد حریم خصوصی کاربران وجود دارد که در دسترس بودن اطلاعات شخصی را محدود می‌کند (Zimmer, 2010). شرکت‌های شبکه‌های اجتماعی به‌طور مداوم اقداماتی را برای محدود کردن دسترسی به اطلاعات حساس و اشتراک‌گذاری داده‌ها انجام می‌دهند که این پژوهش نیز با این چالش روبه‌رو بوده است. علاوه‌براین بدون اطلاعات اولیه کاربران همانند جنسیت، سن، نژاد و سطح تحصیلات و غیره، درک پیچیدگی‌های پویایی‌های اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و تشخیص آن‌ها چنانچه بر روی پژوهش تأثیر مستقیم داشته باشد، می‌تواند دشوار باشد.

نتیجه‌گیری

توصیه‌نامه یونسکو در مورد مناظر شهری تاریخی استفاده از ابزار مشارکتی سنتی و نوآورانه را پیشنهاد می‌کند، که بخشی جدایی‌ناپذیر از پویایی‌های نظارت و مدیریت شهری را تشکیل می‌دهند، که با زمینه‌های محلی سازگار شده است تا بتواند گفتگویی بین‌فرهنگی بین گروه‌های متفاوت با منافع متضاد را برای ارتقای شهر و حفاظت از مناظر شهری فراهم کند. مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک هدف مهم برای برنامه‌ریزی میراث در دهه‌های گذشته رشد کرده است. در حالی که توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی یک دهه پیش ابزارهای جدید را برای مشارکت مدنی و مستندسازی دانش فراخواند، شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر به‌عنوان بستری برای جوامع برخط عمل می‌کنند تا با به اشتراک‌گذاری ایده‌های خود به‌طور مؤثر در فعالیت‌های مرتبط با میراث مشارکت کنند. به‌ویژه هنگامی که رویدادهای رادیکال پیرامون میراث، اعم از مثبت یا منفی، رخ می‌دهد، عواطف و نظرات به‌سرعت در سراسر جهان از طریق اینترنت پخش می‌شود تا به جوامع برخط از شهروندان علاقمند یا نگران در مورد موضوعات میراث دسترسی پیدا کند (Liang, Lu & Martin, 2021). علاقه فزاینده‌ای به حفظ و مدیریت میراث روزمره جوامع محلی وجود دارد که هویت‌های محلی، دلبستگی به مکان و حس مکان را تعریف می‌کند. میراث روزمره ممکن است شامل فعالیت‌های روزانه، تفریح و فعالیت‌های اوقات فراغت و مکان‌هایی باشد که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند. اما چگونه می‌توان میراث روزمره را شناسایی کرد؟ چگونه این ارزش‌ها به چشم‌انداز روزمره نسبت داده می‌شود؟ و منطق پشت این قضاوت در مورد ارزش‌ها چیست؟ تحت این شرایط است که ارزش‌های فرهنگی به‌جای اینکه غایتی برای حفاظت و مدیریت شهر و میراث باشند، تبدیل به وسیله‌ای برای گرد هم آوردن گروه‌های مختلف، کارشناسان، شهروندان و همچنین محلی‌ها و گردشگران می‌شود. با این حال، در عمل ظرفیت جوامع به‌ویژه جوامع در حال توسعه برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها در فرایندهای شناسایی، حفاظت و مدیریت شهری در سطوح محلی و ملی همچنان نامعلوم است. در این رابطه، شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص در لحظات بحث برانگیز با گفتمان رسمی میراث، نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ چراکه جامعه را توانمند کرده و به تحقق و تقویت مشارکت عمومی

کمک می‌کند و این موضوع خصوصاً در زمانی که جنبش‌های برخط در برابر تخریب و ویران کردن مناظر شهری بسیج می‌شوند بیشتر رخ می‌نمایاند.

ارزیابی‌های مبتنی بر ارزش معمولاً بر سه محور بنا می‌شوند: مشارکت یکسان گروه‌های ذی‌نفع گوناگون (چه کسی)، اتخاذ رویکردی جامع به میراث با در نظر گرفتن دارایی‌های میراث استثنایی و روزمره (چه چیزی) و استفاده از روش ارزیابی که طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها شامل ارزش‌های اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، علمی، تاریخی و غیره را در نظر می‌گیرد (چرا). تفاسیر متناقض از میراث، ناشی از قائل شدن وزن متفاوت به ارزش‌های فرهنگی و اهمیت معنایی متفاوت به میراث یکسان است که روایت‌های گوناگونی را مطرح می‌کند و مرزهای گفتمان رسمی میراث را جابه‌جا می‌کند. در این زمینه، ارزش‌ها به وسیله‌ای برای گرد هم آوردن گروه‌های بزرگ و متنوع، از جمله متخصصان و افراد محلی، تبدیل می‌شوند، نه به عنوان هدفی برای حفاظت و مدیریت میراث. بعد زمانی در هنگام ارزیابی ارزش‌ها نقش اساسی دارد. با این حال، ارزش‌ها به ندرت از طریق برخی روش‌های طبقه‌بندی و ارزیابی ثابت به نظر می‌رسد. اهمیت شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت میراث این است که امکان مستندسازی فرایند ساخت ارزش‌ها در طول زمان را فراهم می‌کند. شبکه‌های اجتماعی منبع منحصر به فردی از داده‌ها در این زمینه هستند، چرا که بسیار جامع‌تر از منابع مرسوم در گذشته همانند مطبوعات و رسانه‌ها هستند. علاوه بر این شبکه‌های اجتماعی منبعی از داده‌های ارزشمند به شمار می‌آیند که فرصت‌های جدیدی را هم برای تفسیر و شخصیت‌یابی میراث و هم حفاظت از آن به وجود می‌آورند.

پی‌نوشت‌ها

1. Historic Urban Landscape

۲. مفهوم بازتولید در نظریات لویی آلتوسر و پی‌یر بوردیو از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و هریک به گونه‌ای آن را در نظریات خویش به کار گرفته‌اند. در اینجا با استفاده از روش مقایسه نظریات آلتوسر و بوردیو، به بررسی این مفهوم پرداخته شده است. به عنوان مثال آلتوسر با رویکرد ساختارگرایانه، بازتولید را در تحلیل‌هایش مطرح می‌کند و برای کنشگر نقش چندانی قائل نمی‌شود و معتقد است که بازتولید از طریق ایدئولوژی صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که ایدئولوژی به شیوه‌ای ناخودآگاه بر افراد تحمیل می‌شود و نه به صورت آشکار و به صورت ضمنی عمل می‌کند؛ به طوری که در کردارها، ساختارها و تصورات بدیهی افراد رسوخ می‌کند و بدین ترتیب به امری طبیعی و جهان‌شمول تبدیل می‌شود به عبارت دیگر بازتولید، امری ایدئولوژیک است. در مقابل پی‌یر بوردیو تحت تأثیر نگاه تلفیقی خویش به عاملیت و ساختار، مفهوم بازتولید را در تحلیل‌هایش به کار می‌گیرد و به رابطه دیالکتیکی ساختار و عاملیت باور دارد. بر این اساس، ساختارها هم ساختاردهنده هستند بدین معنا که کنش‌ها را هدایت و مهار می‌کنند و از سویی دیگر ساختارها ساختمانند، یعنی کنشگران آن‌ها را تولید و بازتولید می‌کنند.

3. Official

4. Crowdsourcing

5. Production of heritage knowledge

6. Everyday Landscape

۷. بر اساس مطالعات، اصطلاح منظر روزمره در ادبیات قرن نوزدهم و بیشتر در مورد اهمیت مشاهده ساختمان‌ها مطرح شد. این مفهوم در قرن بیستم و با آثار نویسندگانی مانند رابرت ونتوری و جان برینکرهوف جکسون، ارزش بالقوه‌ای یافت. در این زمینه شناسایی عواملی، که به شناخت یک ساختمان یا محیط خاص به منزله بخشی از منظر روزمره کمک می‌کند اهمیت زیادی دارند. ونتوری و جکسون معتقد بودند که منظر روزمره منظر منتشر شده نیست؛ بلکه اگر آن را میراث کشف شخصی و یا تجربه مستقیم بدانیم، مفاهیم رمانتیک و نوستالژیک را در بر می‌گیرد. این موضوع بدان معنا است که به طور مثال یک ساختمان می‌تواند بخشی از منظر روزانه تعریف شود که اطلاعات مربوط به خود را هم‌زمان به مخاطب منتقل کند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۶).

7. Genius loci

8. Authorised heritage institutions

۱۰. منظور مؤسسات و نهادهایی است که در امر قانونگذاری و ایجاد کنوانسیون‌ها و منشورهای میراثی فعالیت دارند همانند یونسکو، ایکوموس و غیره (smith, 2006)

9. Tags

10. WebHarvy

11. Web data crawling

12. Reconcile differences via consensus

فهرست منابع

- پوربهادر، پوپک، و فدائی‌نژاد بهرام‌جردی، سمیه (۱۳۹۷). بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳۱، ۶۳-۷۴.
- تاج‌احمدی تبریزی، حنانه، و زمانی‌فرد، علی (۱۴۰۱). رهیافتی بر جایگاه مدیریت تغییر در حفاظت از مناظر شهری تاریخی بررسی موردی: محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین. نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۶)، ۵-۲۶.
- تقوایی، سیدحسین، نوروزیان ملکی، سعید، و علیدوست، شایسته (۱۳۹۶). نقش «منظر روزانه» در کیفیت فضاهای شهری مورد پژوهی: مسیر خوابگاه کوی دختران در دانشگاه شهید بهشتی. صفة، ۲۷(۱)، ۵۵-۷۱.
- جعفرپورناصر، ساناز، اسفنجاری‌کناری، عیسی، و طبیبیان، منوچهر (۱۳۹۹). منظر شهری تاریخی و مدیریت تغییر: نقدی تحلیلی از مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها. نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱۷(۱)، ۳۷-۵۴.
- طالبیان، محمد حسن، و فلاح‌ت، محمد صادق (۱۳۸۸). منظرهای فرهنگی: مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقاء مدیریت و برنامه‌ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی. مرودشت: بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد.
- عشرتی، پرستو، و فدائی‌نژاد، سمیه (۱۳۹۷). به سوی رویکردی آرمانی در حفاظت و توسعه‌ی منظر شهری تاریخی. نشریه علمی مرمت و معماری ایران، ۸(۱۵)، ۷۵-۸۸.
- عشرتی، پرستو، و دولابی، پویا (۱۳۹۹). واکاوی منظر شهری تاریخی اصفهان مبتنی بر بنیان‌های فرهنگی و طبیعی از آغاز تا پایان دوران صفوی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۳)، ۱۵۳-۱۶۶.
- عشرتی، پرستو، عشرتی، درنا، و فدائی‌نژاد، سمیه (۱۴۰۰). منظر شهری تاریخی، رویکردی کل‌نگر در حفاظت و توسعه یکپارچه شهری. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- Arnstein, S. R. (1969). A Ladder of Citizen Participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216-224.
- Baker, S., & Collins, J. (2016). Popular music heritage, community archives and the challenge of sustainability. *International Journal of Cultural Studies*, 20(5), 476-491.
- Bandarin, F., & Van Oers, R. (2012). *The historic urban landscape managing heritage in an urban century*. Chichester [England]: Wiley-Blackwell.
- Bandarin, F., & Van Oers, R. (2015). *Reconnecting the city. the historic urban landscape approach and the future of urban heritage*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Belenioti, Z., & Vassiliadis, C. A. (2018). Museums & Cultural Heritage via Social Media: An Integrated Literature Review. *Tourismos*, 12(3), 97-132.
- Bradley, E. H, Curry, L.A, Devers, K. J. (2007). Qualitative data analysis for health services research: Developing taxonomy, themes, and theory. *Health Services Research*, 42, 1758-1772.
- Caquard, S. (2013). Cartography I: Mapping narrative cartography. *Progress in Human Geography*, 37(1), 135-144.
- Caswell, M., & Mallick, S. (2014). Collecting the easily missed stories: Digital participatory microhistory and the South Asian American digital archive. *Archives and Manuscripts*, 42(1), 73-86.

- Cauchi-Santoro, R. (2016). Mapping community identity: Safeguarding the memories of a city's downtown core. *City, Culture and Society*, 7(1), 43-54.
- Council of Europe. (2005). *Convention on the Value of Cultural Heritage for Society (Faro Convention)*. Retrieved from <https://www.coe.int/en/web/culture-and-heritage/faro-convention>.
- Crouch, M., & McKenzie, H. (2006). The logic of small samples in interview-based qualitative research. *Social science information*, 45(4), 483-499.
- Daher, R. F. (2007). Tourism, Heritage, and Urban Transformations in Jordan and Lebanon: Emerging Actors and Global-Local Juxtapositions. In R. F. Daher (Ed.), *Tourism in the Middle East: Continuity, change, and transformation* (263-307). Clevedon; Buffalo: Channel View Publications.
- De Kreek, M., & Van Zoonen, L. (2013). New directions in research on local memory websites. *Journal of Social Intervention: Theory and Practice*, 22(2), 113-130.
- Dunkel, A. (2015). Visualizing the perceived environment using crowdsourced photo geodata. *Landsc. Urban Plan*, 142, 173-186.
- Economou, M. (2015). Heritage in the digital age. In: Logan, W., Craith, M.N., Kockel, U. (Eds.) *A Companion to Heritage Studies* (215-228). John Wiley & Sons Inc, Hoboken, NJ.
- Fan, L. (2014). International influence and local response: Understanding community involvement in urban heritage conservation in China. *International Journal of Heritage Studies*, 20(6), 651-662.
- Flinn, A., Stevens, M., & Shepherd, E. (2009). Whose memories, whose archives? Independent community archives, autonomy and the mainstream. *Archival science*, 9, 71-86.
- Foth, M., Klaebe, H., & Hearn, G. (2008). The role of new media and digital narratives in urban planning and community development. *Body, Space and Technology*, 7(2), 1-18.
- Fredheim, L. H., & Khalaf, M. (2016). The significance of values: heritage value typologies re-examined. *International Journal of Heritage Studies*, 22(6), 466-481.
- Freeman, C. G. (2018). *Participatory Culture and the Social Value of an Architectural Icon: Sydney Opera House*. Routledge.
- Friedman, T. (2016). *The changing political economy of globalization: Multilateral institutions and the 2030 Agenda*. Presented at the joint meeting of United Nations Economic and Social Council (ECOSOC) and the Second Committee of the UN General Assembly, United Nations.
- Giaccardi, E. (2012). *Heritage and Social Media: Understanding Heritage in a Participatory Culture*. Routledge.
- Ginzarly, M., & Teller, J. (2018). Operationalizing the HUL Recommendation in Urban River Corridors: Challenges and Perspectives. In A. Pereira Roders & F. Bandarin (Eds.), *Reshaping Urban Conservation* (Vol. 2, 511-527). Singapore: Springer Singapore.
- Ginzarly, M., Farah, J., & Teller, J. (2019). Claiming a role for controversies in the framing of local heritage values. *Habitat International*, 88, 101982.
- Girard, L. (2013). Toward a smart sustainable development of port cities/areas: The role of the "Historic Urban Landscape" approach. *Sustainability*, 5(10), 4329-4348.
- Graham, B., & Howard, P. (2008). Heritage and identity. In B. Graham, & P. Howard (Eds.). *The Ashgate research companion to heritage and identity* (1-15). Aldershot: Ashgate.
- Greffe, X. (1998). *The economic value of Heritage*. University of Paris 1 Pantheon-Sorbonne, Paris, France.

- Gregory, J. (2015). Connecting with the past through social media: The “Beautiful buildings and cool places Perth has lost” Facebook group. *International Journal of Heritage Studies*, 21(1), 22-45.
- Halbwachs, M. (1997). *La Me moire collective*. Edition critique é tablée par Ge rard Namer, pré face de Marie Jaisson. Paris : Albin Michel, p., 132 FF [1er é d. 1950].
- Harvey, D. C. (2001). Heritage Pasts and Heritage Presents: Temporality, meaning and the scope of heritage studies. *International Journal of Heritage Studies*, 7(4), 319-338.
- Harvey, W. S., Morris, T., & Müller Santos, M. (2017). Reputation and identity conflict in management consulting. *Human relations*, 70(1), 92-118.
- Haskins, E. V. (2015). *Popular memories. commemoration, participatory culture, and democratic citizenship*. South Carolina : University of South Carolina Press.
- Heinich, N. (2017). *Des valeurs. Une approche sociologique*. Paris : Gallimard.
- ICCROM. (2015). *Promoting People-Centred Approaches to Conservation: Living Heritage*. International Centre for the Study of the Preservation and Restoration of Cultural Property Via di San Michele, 13 00153 Rome, Italy.
- John, N. A. (2013). Sharing and Web 2.0: The emergence of a keyword. *New Media & Society*, 15(2), 167-182.
- Kenter, J. O., Raymond, C. M., Van Riper, C. J., Azzopardi, E., Brear, M. R., Calcagni, F., ... & Thankappan, S. (2019). Loving the mess: navigating diversity and conflict in social values for sustainability. *Sustainability Science*, 14, 1439-1461.
- Kleymeyer, C. D. (Ed.). (1994). *Cultural expression and grassroots development: Cases from Latin America and the Caribbean*. USA : Lynne Rienner Publishers.
- Lamy, P. (2021). *Heritage and renovation center*. Municipality of Lyon. <https://whc.unesco.org/en/events/1590/>.
- Lewi, H., Smith, W., Murray, A., & Cooke, S. (2016). Visitor, contributor and conversationalist: Multiple digital identities of the heritage citizen. *Historic Environment*, 28(2), 12.
- Liang, X., Lu, Y., & Martin, J. (2021). A review of the role of social media for the cultural heritage sustainability. *Sustainability*, 13(3), 1055.
- Lopez, B. E., Magliocca, N. R., & Crooks, A. T. (2019). Challenges and Opportunities of Social Media Data for Socio-Environmental Systems Research. *Land*, 8, 77-98.
- Marchiori, E., & Cantoni, L. (2011). The online reputation construct: Does it matter for the tourism domain? A literature review on destinations' online reputation. *Information Technology & Tourism*, 13(3), 139-159.
- Massey, D. (1995). Places and their pasts. *History Workshop Journal*, 39, 182-192.
- Monteiro, V., Painho, M., & Vaz, E. (2015). Is the heritage really important? A theoretical framework for heritage reputation using citizen sensing. *Habitat International*, 45, 156-162.
- Mydland, L., & Grahm, W. (2012). Identifying heritage values in local communities. *International Journal of Heritage Studies*, 18(6), 564-587.
- Nov, O., Naaman, M., & Ye, C. (2008). What drives content tagging : the case of photos on Flickr. *In proceeding of the 26th annual SIGCHI conference on human factors in computing systems*, ACM, New York, USA. 1097-1100.
- O'Donnell, P., & Turner, M. (2012). *The Historic Urban Landscape Recommendation: A New UNESCO Tool for a Sustainable Future*. IFLA, Cape Town.

- Owuor, I., Hochmair, H. H. (2020). An overview of social media apps and their potential role in geospatial research. *ISPRS Int. J. Geo-Inf.* 9
- Paez, D. R., & Liu, J. H. F. (2011). Collective memory of conflicts. In D. Bar-Tal (Ed.), *Intergroup conflicts and their resolution: A social psychological perspective* (105-124). Psychology Press.
- Paganoni, M. C. (2015). *City branding and new media: Linguistic perspectives, discursive strategies and multimodality*. Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Pew Research Center. (2014). *While Facebook remains the most popular site, other platforms see higher rates of growth*. Washington, DC: Social Media Update; Pew Research Center.
- Pickard, R. (2002). A comparative review of policy for the protection of the architectural heritage of Europe. *International Journal of Heritage Studies*, 8(4), 349-363.
- Pruihlmann-Vengerfeldt, P., & Runnel, P. (2011). When the museum becomes the message for participating audiences. *Communication Management Quarterly*, 6(21), 159-179.
- Rautenberg, M. (1998). L'émergence patrimoniale de l'ethnologie : entre mémoire et politiques publiques. In Poulot, D (Eds.), *Patrimoine et Modernité*. Paris L'Harmattan (279-291).
- Ripp, M., & Rodwell, D. (2015). The geography of urban heritage. *The Historic Environment: Policy & Practice*, 6(3), 240-276.
- Roued-Cunliffe, H., & Copeland, A. (2017). *Participatory heritage*. London: Facet Publishing.
- Ruths, D.; Pfeffer, J. (2014). Social Media for Large Studies of Behavior. *Science*, 346, 1063-1064.
- Sen, A. (2007). *Identity and Violence: The Illusion of Destiny* (Reprint edition). New York: W. W. Norton & Company.
- Sigurbjörnsson, B., & van Zwol, R. (2008). Flickr tag recommendation based on collective knowledge. In *Proceeding of ACM International World Wide Web Conference*, New York, USA, ACM, 327-336.
- Silberman, N., & Purser, M. (2012). Collective memory as affirmation. People-centered cultural heritage in a digital age. In E. Giaccardi (Ed.). *Heritage and social media: Understanding heritage in a participatory culture* (13-29). New York: Routledge.
- Simon, R. I. (2012). Remembering together: Social media and the formation of the historical present. In E. Giaccardi (Ed.). *Heritage and social media: Understanding heritage in a participatory culture* (89-106). New York: Routledge.
- Smith, L. (2006). *Uses of Heritage*. Routledge.
- Swyngedouw, E. (2005). Governance Innovation and the Citizen: The Janus Face of Governance-beyond-the-State. *Urban Studies*, 42(11), 1991-2006.
- Taylor, K. (2016). The Historic Urban Landscape paradigm and cities as cultural landscapes. Challenging orthodoxy in urban conservation. *Landscape Research*, 41(4), 471-480.
- Trant, J. (2009). Studying social tagging and folksonomy: A review and framework. *Journal of Digital Information*. 10(1).
- Tweed, C., & Sutherland, M. (2007). Built cultural heritage and sustainable urban development. *Landscape and Urban Planning*, 83(1), 62-69.
- UNESCO. (2005). *The Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions*. Paris, France.
- UNESCO. (2011). *Recommendation on The Historic Urban Landscape*. Paris, France: UNESCO World Heritage Center.

- UNESCO. (2016a). *The Historic Urban Landscape Guidebook: Managing heritage in dynamic and constantly changing urban environments*. Retrieved from http://www.hulballarat.org.au/resources/HUL%20Guidebook_2016_FINALWEB.pdf.
- UNESCO. (2016b). *Culture: urban future: global report on culture for sustainable urban development*. Paris, France. Retrieved from <http://unesdoc.unesco.org/images/0024/002462/246291E.pdf>.
- Van Dijck, J. (2013). *The culture of connectivity. A critical history of social media*. New York: Oxford University Press.
- Van House, N. A. (2007). Flickr and public image-sharing: distant closeness and photo exhibition. In *CHI 07 extended abstracts on Human factors in computing systems*. 2717-2722.
- Van Oers, R. (2014). Conclusion: the way forward: an agenda for reconnecting the city. *Reconnecting the City: The Historic Urban Landscape Approach and the Future of Urban Heritage*, 317-332.
- Wilson, K., & Desha, C. (2016). Engaging in design activism and communicating cultural significance through contemporary heritage storytelling: A case study in Brisbane, Australia. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 6(3), 271-286.
- Zimmer, M. (2010). "But the Data is Already Public": On the Ethics of Research in Facebook. *Ethics and Information Technology*, 12, 313-325.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
شفیعی، ندا؛ کیانی ده کیانی، غلامرضا؛ ناسخیان، شهریار و آقابابایی، احسان (۱۴۰۲).
بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در حفاظت از منظر شهری تاریخی تهران: ارزش‌ها، ادراک
شهر و روایت هویت محلی. نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۶ (۴۲)، ۱۱۱-۱۳۳.

DOI: 10.30480/AUP.2023.4711.2027

URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1234.html

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Investigating the Role of Social Media in Conservation of Tehran Historic Urban Landscape: Values, City Perception and Local Identity Narrative

Neda Shafiei

Ph.D. Candidate in Restoration of Historic Buildings and Textures, Faculty of Restoration and Conservation, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Gholamreza Kiani Dehkiani

Assistant Professor, Department of Conservation of Historical Monuments, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

Shahriar Naskhian

Assistant Professor, Department of Conservation of Historical Monuments, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ehsan Aghababaei

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Conservation of historic urban landscapes in this century requires innovative and forward-thinking approaches that can adapt to the challenges and rapid changes of modern cities. Traditional top-down methods alone are insufficient in effectively safeguarding these invaluable historical sites, necessitating the exploration of new strategies rooted in collective experiences and the creative contributions of diverse groups of people. The Recommendation on the Historic Urban Landscape (2005) explicitly emphasizes the use of cutting-edge technologies, underscoring the importance of digital platforms and, specifically, social media in the conservation of historic urban landscapes. Building upon this notion, the objective of this research is to examine the role and potential of virtual social networks in safeguarding and promoting the historical significance of urban environments. To accomplish this goal, a study was conducted utilizing 12 Instagram pages that focused on the cultural heritage of Tehran. These Instagram accounts were randomly selected as content generators, and web scraping software was employed to extract relevant information over a period of one year. Through a qualitative content analysis, it was found that the various values attributed to the city, instead of being a goal for the protection and management of the city and heritage, can become a means to bring together different groups, experts, citizens as well as locals and tourists. Furthermore, these stakeholders employed various evaluation methods to assess and prioritize a wide spectrum of values associated with the historic urban landscape. In this context, values serve as a unifying force that brings together large and diverse groups, including both experts and local community members, to collectively contribute to the conservation and revitalization of historic urban areas. Consequently, it is evident that authorities and experts would benefit from actively incorporating public participation in both virtual and physical spaces to ensure the sustainable safeguarding of historic urban landscapes. This research highlights the importance of integrating social networks as valuable tools for the conservation and promotion of historic urban landscapes. By examining the content generated on Instagram, it becomes evident that diverse groups of stakeholders play a crucial role in shaping a comprehensive approach to urban preservation. The findings underscore the significance of public participation and the utilization of value assessment methods in ensuring the holistic protection of historic cities. Integrating virtual social networks with real-world engagement allows for a broader range of perspectives and expertise, fostering an inclusive approach to safeguarding and celebrating the historical significance of urban areas. By embracing innovative and inclusive approaches, which effectively harness the power of social media, policymakers and experts can devise more resilient strategies for preserving and promoting the historical essence of urban landscapes. Given the proliferation of online social media and the explicit proposal of the Historic Urban Landscape Recommendation and the high potential of these networks, this issue has a great importance for the conservation and management of historic cities. This research contributes to the understanding of the role of social media in heritage conservation, underscoring the importance of collective participation and engagement in shaping the future of historic urban environments. Through this collaborative effort, the protection and appreciation of historic urban landscapes can be strengthened, ensuring their long-term sustainability and relevance for future generations.

Keywords: Historic urban landscape, social media, people-centered approach, heritage values, architectural heritage